## جلسه 83-435

**چهار‌شنبه - 21/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در فرمایش صاحب عروه بود که فرمود: اگر مکلف نتواند در یک مکانی نماز بخواند که هم قیام را رعایت کند هم رکوع و سجود اختیاری را، امرش دائر بود یا در یک مکانی نماز بخواند که سقفش مرتفع است و لکن امکان رکوع و سجود در آن نیست، باید برای رکوع و سجود ایماء کند یا در مکان دومی نماز بخواند که سقفش کوتاه است و نماز نشسته می‌تواند بخواند در آن‌جا با رکوع و سجود، اگر در سعه وقت بود و امکان تکرار نماز در هر دو جا بود احتیاط واجب این است که نمازش را تکرار کند ولی اگر وقت تنگ بود یا امکان تکرار نماز در هر دو جا نبود، ایشان فرموده است بعید نیست که بگوییم مخیر است در هرکدام از این دو جا نماز بخواند مانعی ندارد.

عرض کردیم در این مسأله سه قول است: قول اول این است که واجب است اختیار بکند نماز ایستاده را با ایماء به رکوع و سجود و این مجزی هم هست حتی با فرض تمکن از تکرار. قول دوم این است که واجب است نماز نشسته بخواند با رکوع و سجود اختیاری. قول سوم قول به تخییر است حتی در سعه وقت. این قول مرحوم آقای خوئی بود که عرض کردیم وجهش این است که در واجب ارتباطی واحد مثل نماز اگر انسان متمکن نبود از جمع بین دو جزء یا دو شرط آن، نظر صحیح این است که رجوع به قواعد تزاحم نمی‌کند چون تزاحم در دو تکلیف استقلالی است، در این‌جا ما یک تکلیف به نماز بیشتر نداریم، اگر دلیل نداشتیم که الصلاة لاتسقط بحال می‌‌گفتیم نماز تام را این شخص نمی‌تواند بجا بیاورد تکلیفش ساقط است اما چون دلیل داریم الصلاة لاتسقط بحال پس می‌‌فهمیم در این حال این شخص مکلف به نماز ناقص است. اطلاق دلیل یجب القیام فی الصلاة اقتضاء می‌‌کند قیام شرط تعیینی باشد تعارض می‌‌کند با اطلاق دلیل یجب الرکوع الاختیاری فی الصلاة یجب السجود الاختیاری فی الصلاة که اقتضاء می‌‌کند رکوع و سجود اختیاری واجب باشد در این نماز. و چون امکان جعل شرطیت تعیینیه برای قیام و جزئیت تعیینه برای رکوع و سجو اختیاری نسبت به مکلف در این حال وجود ندارد، تنافی در این دو خطاب و تعارض بین این دو خطاب رخ می‌‌دهد. بعد از تعارض و تساقط رجوع می‌‌کنیم به اصل برائت از شرطیت تعیینیه قیام و جزئیت تعیینیه رکوع و سجود اختیاری، که نتیجه می‌‌شود تخییر. این مبنا به نظر مبنای درستی است. اگر قرینه خاصه‌ای نباشد بر تقدیم قیام یا بر تقدیم رکوع و سجود اختیاری مقتضای صناعت همین قول به تخییر است.

اما وجه قول به تعین نماز ایستاده بر این شخص یک وجهش این بود که عرض کردیم بگوییم در فرض عجز از دو جزء یا دو شرط نماز ما باید اعمال قواعد تزاحم بکنیم که نظر مشهور از جمله محقق نائینی است. و یکی از مرجحات باب تزاحم سبق زمانی است. چون اول نماز زمان امتثال قیام است و این زمانش اسبق است از زمان امتثال امر به رکوع و سجود، ‌سبق زمانی از مرجحات باب تزاحم است.

ما جواب دادیم اولا مبنای تزاحم را ما قبول نداریم در فرض عجز از جمع بین دو جزء یا دو شرط واجب ارتباطی مثل نماز. و ثانیا: سبق زمانی را ما به عنوان مرجح قبول نداریم در باب تزاحم.

وجه دوم برای تعین نماز ایستاده تمسک به صحیحه جمیل است که در وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 495 می‌‌گوید: سألت اباعبدالله علیه السلام ما حد المرض الذی یصلی قاعدا فقال ان الرجل لیوعک و یحرج و لکنه اعلم بنفسه اذا قوی فلیقم. معیار را در این صحیحه این قرار داد که هر کس قادر بر قیام است واجب است قیام بکند و این اطلاق دارد و لو متمکن از رکوع و سجود اختیاری نباشد، با اشاره نماز بخواند.

جواب از استدلال به این صحیحه جمیل این است که این صحیحه در مقام بیان حد کسی است که وظیفه‌اش از قیام منتقل می‌‌شود به جلوس می‌‌فرماید معیار مطلق مرض نیست، معیار انتقال وظیفه از قیام به جلوس این است که ناتوان بشود از قیام، تا ناتوان از قیام نباشد این مریض باید بایستد و نماز بخواند قائما. ناظر نیست به این فرض‌ها که تزاحم بشود بین قیام و رکوع و سجود اختیاری. بیان می‌‌کند حد مرضی که موجب انتقال از قیام است به جلوس در نماز. ثانیا: اطلاق فاذا قوی فلیقم با اطلاق امر به رکوع و سجود تعارض می‌‌کند. همان‌طوری که اطلاق فاذا قوی فلیقم هست اطلاق ارکعوا و اسجدوا که ظاهر است در رکوع و سجود اختیاری هم اقتضاء می‌‌کند که این شخص نماز با رکوع و سجود اختیاری و نه ایمائی بخواند. پس این وجه برای تعین قیام در نماز صحیح نیست.

آقای سیستانی فرموده‌اند ما می‌‌توانیم به ادله دیگری تمسک کنیم برای قول به تعین قیام و لذا ایشان به عنوان وجه سوم تمسک کردند به ادله خاصه بر تعین اختیار نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود و بر اساس این ادله خاصه فتوی دادند که در این فرض که امر این مکلف دائر است نماز ایستاده بخواند با ایماء به رکوع و سجود یا نماز نشسته بخواند با رکوع و سجود اختیاری در نماز نشسته متعین است نماز ایستاده بخواند با ایماء به رکوع و سجود. ادله خاصه‌ای که ایشان ذکر می‌‌کند، این ادله‌ای است که عرض می‌‌کنیم:

دلیل اول صحیحه علی بن یقطین است که در وسال الشیعة جلد 5 صفحه 505 نقل می‌‌کند عن ابی الحسن علیه السلام قال سألته عن السفینة لم یقدر صاحبها علی القیام یصلی فیها و هو جالس یؤمی أو یسجد؟ قال یقوم و ان حنی ظهره. علی بن یقطین می‌‌گوید سؤال کردم از امام کاظم علیه السلام از کشتی که شخصی سوار کشتی شده نمی‌تواند نماز ایستاده بخواند، قادر بر قیام نیست در کشتی، آیا نماز بخواند در کشتی در حالی که نشسته است؟‌ یؤمی أو یسجد؟ در نماز نشسته حالا یا ایماء‌ بکند به سجود یا اگر می‌‌تواند سجده بکند، امام فرمود نه، بایستد در نماز و لو با حالت انحناء ظهرش. حالا راست نمی‌تواند بایستد منحنی بایستد.

آقای سیستانی فرمودند اطلاق یقوم و ان حنی ظهره می‌‌گیرد جایی را که این شخص متمکن از سجود اختیاری نباشد در حال قیام چون فرض کرده سائل که چه بسا در حال جلوس هم متمکن از جلوس نباشد. یؤمی أو یسجد، ‌پس در حال قیام هم یک فرض این است که متمکن از جلوس نباشد در عین حال امام فرمود نماز ایستاده بخواند. اطلاقش اقتضاء می‌‌کند که و لو با ایماء به سجود. و لو این روایت در مورد سجود است ولی بین سجود و رکوع فرقی نیست، ‌نکته، واحد است. و لذا وظیفه این است که نماز ایستاده بخواند و لو مجبور بشود ایماء بکند به رکوع و سجود و این مقدم بر نماز نشسته است و لو با رکوع و سجود اختیاری.

دلیل دوم ایشان صحیحه حلبی است که در وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 481 نقل می‌‌کند عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن المریض اذا لم یستطع القیام و السجود قال یؤمی برأسه ایماءا. می‌‌گوید سؤال کردم از امام علیه السلام از مریض اگر نتواند بایستد و سجده کند امام فرمود اشاره می‌‌کند به سجده.

در این روایت ابتداءا دو احتمال هست:‌یکی این‌که مریض نه قادر بر قیام است نه قادر بر سجود است. و لذا وظیفه‌اش این است بنشیند و ایماء کند به سجده. احتمال دوم این است که مراد این است که مریض قادر بر جمع بین قیام و سجود نیست. لم یستطع القیام و السجود یعنی قادر بر قیام و سجود با هم نیست. طبق این احتمال دوم استدلال به این روایت تمام است. امام اختیار کردند که این شخص قیام بکند با ایماء به سجود. احتمال دوم ارجح از احتمال اول است. چرا؟ برای این‌که اگر فرض در روایت این بود که این شخص نه قادر بر قیام است و نه سجود مناسب بود که امام در جواب بفرمایند یجلس و یؤمی برأسه ایماءا اما امام علیه السلام اشاره‌ای به جلوس نکردند فقط فرمودند یؤمی برأسه ایماءا. این مرجح احتمال دوم است و استدلال به این روایت تمام است.

دلیل سوم ایشان روایاتی است که مفادش این است که کسی که در نماز قادر بر قیام است قیام می‌‌کند، قادر نیست در نماز بر قیام نشسته نماز می‌‌خواند. مقتضای این روایات این است که قیام بر جلوس مقدم است.

محقق همدانی فرمودند: ظاهر این روایات که می‌‌گوید کسی که قادر بر قیام هست نماز ایستاده بخواند قیام متعارف است که مشتمل بر رکوع و سجود اختیاری است. ولی در مقام فرض این است که این شخص اگر قیام بکند متمکن از رکوع و سجود اختیاری نیست. پس روایات از این فرض منصرف است.

آقای سیستانی فرمودند کی می‌‌گوید قیام متعارف آنی است که مشتمل بر رکوع و سجود اختیاری است؟ شخصی که عریانا نماز می‌‌خواند مگر در روایت نبود یصلی قائما مؤمیا الی الرکوع و السجود. پس قیام متعارف منصرف نیست به قیام مشتمل بر رکوع و سجود اختیاری. امام در این روایات بطور مطلق می‌‌فرمایند هر کس می‌‌تواند بایستد نماز بخواند اگر نمی‌تواند بایستد بنشیند نماز بخواند و این را مطلق می‌‌فرمایند که یک فرضش هم شامل آن جایی می‌‌شود که می‌‌تواند قیام کند ولی متمکن از رکوع و سجود اختیاری نیست. خب اطلاق روایات این فرض را می‌‌گیرد. مخصوصا که برخی از این روایات در مورد کسی است که سوار کشتی است که متعارف هست که انسان نتواند رکوع و سجود اختیاری بکند چون تعادلش را نمی‌تواند حفظ کند در حال قیام. و لذا اطلاق این روایات محکم است و این روایات در مقام بیان وظیفه مؤمنین بوده. مستهجن است القاء خطاب مطلق در مقام بیان وظیفه مؤمنین بعد بگوییم که مراد ما کسی است که می‌‌تواند در حال قیام رکوع و سجود اختیاری بکند. اگر روایات در مقام تعلیم احکام کلیه به اصحاب بود که در مقام تعلم فقه بودند، ممکن بود بگوییم اطلاق قابل تقیید است ولی این روایات ناظر به بیان وظیفه مردم هست در مقام بیان افتاء است و لذا اطلاقش عرفا قابل تقیید نیست و نمی‌شود حملش کنیم بر جایی که شخص قادر بر قیام است با رکوع و سجود اختیاری.

دلیل چهارمی که آقای سیستانی ذکر کردند صحیحه حماد بن عثمان است عن ابی عبدالله علیه السلام انه سئل عن الصلاة فی السفینة فقال علیه السلام ان امکنه القیام فلیصل قائما و الا فلیقعد ثم لیصل. متعارف در نماز در سفینه این است که انسان ایماءا نماز می‌‌خواند بلکه در برخی از روایات آمده که الصلاة فی السفینة ایماء. و چون متعارف در نماز در کشتی این است که انسان ایستاده ایماءا نماز می‌‌خواند و الا با رکوع و سجود اختیاری نماز بخواند تعادلش بهم می‌‌خورد و زمین می‌‌افتد و امکان غرق شدنش است و لذا این روایت دلالت قویه دارد بر این‌که اگر بتواند شخص در کشتی بایستد نماز را ایستاده می‌‌خواند و لو با ایماء به رکوع و سجود.

این محصل استدلال آقای سیستانی است برای این‌که کسی که نماز ایستاده بخواند باید ایماء کند به رکوع و سجود، ‌اگر بخواهد رکوع و سجود اختیاری بکند باید نماز نشسته بخواند ایشان فرمودند این ادله اقتضاء می‌‌کند که متعین است این شخص نماز ایستاده بخواند با ایماء‌به رکوع و سجود.

به نظر ما این استدلال‌هایی که آقای سیستانی فرمودند قابل مناقشه است. اما استدلال ایشان به صحیحه علی بن یقطین که فرمود سألته عن الصلاة‌ فی السفینة لم یقدر صاحبها علی القیام یصلی فیها و هو جالس یؤمی أو یسجد قال یقوم و ان حنی ظهره. در این روایت فرض نشده که این شخص نماز اگر ایستاده بخواند ایماء می‌‌کند به رکوع و سجود ولی اگر نشسته نماز بخواند رکوع و سجود اختیاری بجا می‌‌آورد. بلکه فرض روایت این است که این شخص نمی‌تواند قیام کامل بکند، ‌قیام با انتصاب صلب، ‌اقامه صلب نمی‌تواند انجام بدهد، سؤال این است که آیا بنشیند و نماز بخواند که نشسته‌اش گاهی با ایماء به رکوع و سجود است گاهی همراه با رکوع و سجود اختیاری است امام فرمودند بایستد و لو با حالت انحناء. اما این‌که امر دائر است بین این‌که در حال ایستاده ایماء کند به سجود اما در حالی که نماز نشسته می‌‌خواند سجده بکند این فرض در این روایت مطرح نیست. این روایت ناظر به این جهت هست که سؤال می‌‌شود که کسی در کشتی سوار شده، نمی‌تواند قیام کامل کند، جائز است که نماز نشسته بخواند؟ حالا در نماز نشسته ایماء می‌‌کند به سجود یا سجود اختیاری می‌‌کند طبق آنچه که توانایی دارد. امام فرمودند نوبت به جلوس نمی‌رسد ایستاده نماز بخواند و لو با حالت انحناء. اما این فرض غیر متعارف که در حال ایستادن نمی‌تواند بنشیند و سجده کند. ولی در حال نشستن می‌‌تواند سجده کند، ‌این حالت غیر متعارف ملحوظ در این روایت نیست. خلاف متعارف است که شخصی در کشتی اگر بایستد مجبور است ایماء کند به سجده اگر بنشیند می‌‌تواند سجده کند این فرض، فرض غیر متعارفی است که در ذهن افراد نمی‌اید. و لذا اصلا اطلاق این روایت شامل این فرض نمی‌شود.

و بر فرض هم اطلاق روایت شامل این فرض بشود، اطلاق دلیل وجوب رکوع و سجود هم اقتضاء می‌‌کند شخصی که متمکن از رکوع و سجود است رکوع و سجود بکند، با اطلاق او تعارض می‌‌کند. این‌که آقای سیستانی فرمودند متعارف در کسی که سوار بر کشتی می‌‌شود این است که نماز ایستاده ایش با ایماء به رکوع و سجود باشد ما وجه این را نمی‌فهمیم. شاید در این قایق‌های کوچک این‌طور باشد بلکه در قایق‌های کوچک اصل ایستادن خطرناک است، اما در کشتی مخصوصا کشتی‌ها بزرگ که بار سنگین را هم حمل می‌‌کند، این چه جور بگوییم متعارف است که در کشتی کسی که نماز ایستاده می‌‌خواند متمکن از رکوع و سجود اختیاری نیست، ‌این فرمایش، فرمایش تمامی نیست. پس استدلال ایشان به صحیحه علی بن یقطین ناتمام است.

اما استدلال ایشان به صحیحه حلبی که داشت المریض اذا لم یستطع القیام و السجود قال یؤمی برأسه ایماءا انصافا ظاهر این صحیحه این است که این شخص نه توان قیام دارد نه توان سجود. و الا می‌‌گفت اذا لم یستطع القیام و السجود معا یا اذا لم یستطع علی ان یقوم علی ان یجمع بین القیام و السجود. این‌که تعبیر می‌‌کند مریضی است که نمی‌تواند بایستد و سجده کند، ‌لم یستطع القیام و السجود این لااقل ظهور ندارد در این‌که قادر بر قیام به تنهایی هست قادر بر سجود به تنهایی هم هست قادر بر جمع بین این دو نیست.

اما این‌که ایشان فرمودند چرا پس امام اگر این شخص فرض کرده عاجز از قیام و سجود هر دو هست اما به او نفرمو یجلس و یؤمی برأسه ایماءا. جواب این است که امام واگذار کردند به وضوح مطلب. واضح بود وقتی نمی‌تواند بایستد خب می‌‌نشیند اما این‌که نمی‌تواند سجده بکند پس چکار بکند او واضح نبود امام بیان کرد که بدل اضطراری سجود ایماء است. و لذا انصافا این صحیحه حلبی ظهور در این فرمایش ایشان ندارد.

اما استدلال ایشان به روایاتی که مفادش این است که قادر بر قیام در نماز وظیفه‌اش قیام است که ایشان فرمود اطلاق این روایات می‌‌گوید و لو در حال قیام متمکن از رکوع و سجود اختیاری نباشد ان‌شاءالله در جلسه آینده راجع به آن بحث خواهیم کرد.

و الحمد لله رب العالمین.